انجمن زنان مسلمان پژوهشگر

نقش زن در توسعه انسانى

دكتر ثريا مكنون

توسعه, در عرف رايج عبارت است از ((سرمايه گذارى در امورى كه موجب وارد كردن تغييراتى در سازمان اقتصادى, اجتماعى و سياسى نظام مى گردد)) جهت اين تغييرات عموما به طرف رشد است و رشد كمى و كيفى را در بر مى گيرد. در نهايت, حاصل اين رشد; افزايش دائمى ثروت جامعه و درآمد ناخالص ملىGNP) ) است.1

اين گونه از توسعه حاصل ((نظام توزيعى)) است كه موازنه را در جهت منافع قشر قدرتمند حل نموده و ضرورتا قشر ديگر (عموما زنان) محروم شده اند. آثار اين محروميت نيز موضوعاتى مانند فقر, خشونت, اشتغال و غيره است كه امروز بعنوان مشكلات زنان مطرح شده و سازمان ها و ارگان ها بدنبال حل آن ها هستند.

در سيستمى كه مبناى قدرت اقتصادى توسعه كمى سرمايه است الزاما انسان به صورت كالا در آمده و در حكم ابزار عمل مى كند و تقسيمات بهره ورى از محصولات اجتماعى بگونه اى مى شود كه وسايل و امكانات به نفع يك قشر گشته و طبقه ديگر در استفاده از امكانات محروم مى شوند. علاوه بر اين محروميت فرهنگى نيز در جوامع به اصطلاح ((توسعه نيافته)) قابل مشاهده است. زنان و اقشار محروم در توزيع اطلاعات و توليد آن هيچ سهمى ندارند. و كشورهاى قدرتمند دريافت اطلاعات را به محرومين تحميل كرده و منافع آن را به طرف خود انتقال مى دهند; در نتيجه كار آمدى معادلات در انحصار صاحبان قدرتى مى شود كه به وسيله ابزارهاى اجتماعى قدرت خود را توسعه داده اند و نهايتا جهت توسعه فرهنگى به نفع كسانى خواهد بود كه قطب توسعه گشته اند.

در صورت تغيير معناى ((بهره ورى)) معناى فقر و بسيارى از مفاهيم ديگر, مانند جهل و زمينه پيدايش آنها نيز تغيير خواهد كرد.

آيا زنان ذاتا از مردان كم هوش ترند و اختلاف فيزيكى باعث عقب ماندگى آنها است ؟ و يا اگر زنان مستضعف جهان در جايگاه واقعى خود قرار گيرند وضعيت بهترى مى يابند؟

تا زمانى كه توزيع به نفع قشر خاصى صورت گيرد, تحميل محروميت و آثار آن امرى طبيعى است. در اين صورت در كشورهاى عقب مانده بيشتر شاهد بيمارىهاى جسمى و روحى خواهيم بود اگر چه بيمارىهاى روحى در عوامل موثر در فقر كشورهاى توسعه يافته لحاظ نشده است.

لذا توصيه مى شود كه زنان, محور بررسى هاى خود را, آسيب شناسى از نحوه توزيع قدرت, ثروت, اطلاعات در وضع موجود جهان و ترسيم وضع مطلوب و مقايسه آن دو با هم قرار داده تا علت توسعه نيافتگى بعضى جوامع و بخصوص قشر زن مشخص شود و عواملى مانند نيازهاى بشرى اعم از فردى و اجتماعى ريشه يابى گردد و چگونگى روابط انسانى كه منجر به كمبودهاى موجود گشته در مقياس جهانى شناسايى شود و بايد بررسى شود آيا ابزارهايى كه قدرت و ثروت را از يك طبقه به طبقه ديگر انتقال داده اند ابزارهاى طبيعى (مانند توانايى ذهنى) بودند يا ابزارهاى اجتماعى (مانند روابط انسانى).

مفهوم توسعه انسانى در اسلام

توسعه اى كه محور آن به جاى رشد كمى, تكامل انسان باشد تنها در سايه اديان الهى و آن هم دينى كه داراى احكام اجتماعى است امكان پذير است. رشد كمى و كيفى, مراحل نازل و ابتدايى نسبت به توسعه بر آن مقدم است. توسعه به معناى ((بالا بردن قدرت كار آمدى در اجتماع)) يا ((افزايش و ارتقإ انسجام اجتماعى)) (انسجام همه جانبه) است. لذا نمى تواند در يك بخش از جامعه حضور داشته و بخش ديگر فاقد آن باشد. در حقيقت وقتى تمام خصوصيات و اوصاف يك موضوع تغيير كند, موجب افزايش ظرفيت, شدت نسبت تإثير و تغيير جهت آن موضوع مى شود; در اين صورت شاهد توسعه سازمانى هستيم.

به عبارت ديگر توسعه به معناى وارد كردن موضوعات و ارتباطات جديد در نظام يعنى ايجاد كننده وحدت و انسجام تازه اى است كه قبلا نبوده. به عنوان مثال حساسيت هاى اقتصادى, فرهنگى و سياسى بانوان تغيير مى يابد و آن گروه از زنان كه موضوعات شخصى يا خانوادگى نزدشان از اولويت بالاترى برخوردار است و سطح بالاتر دستيابى به شغل و منصب اجتماعى (احيانا برابر با مردان) براى حضور در جامعه را مهم مى شمارند.2 با زنانى كه با انتخاب يك آرمان خود را متعهد به تحقق جهان بينى الهى مى دانند, تفاوت دارند.

منزلت برخاسته از اين نوع نگرش است كه توسعه انسانى و جايگاه رفيع تكاملى را براى زنان به ارمغان مىآورد.

براى نمونه به جاى اين كه زنان وقت خود را صرف پيدا كردن راه هاى حقوقى و قانونى براى رسيدگى و دست گيرى از زنانى كه در شرايط اجتماعى موجود با مشكلاتى مواجه هستند, نمايند; بهتر است به دنبال يافتن ريشه هاى ضعف زنان در تعيين موضوعات استراتژيك و تصميم هاى جهانى باشند.

علت غفلت زنان از موضوعات آرمانى و جهانى و سرگرم شدن به موضوعات شخصى, نداشتن مسووليت و مناصب حساس در سطح ملى و يا بى اطلاع بودن از وضعيت سياسى, اجتماعى و فرهنگى جهان مى باشد.

چگونگى تغيير حساسيت زنان از سطح فردى به سطح تكاملى

اگر مفاهيمى چون توسعه, بر مبناى تكامل تعريف شود, افق نگرش به منزلت زن تغيير مى يابد و قوانين و اصول نيز در سطح بين المللى متناسب با مراحل تكامل تدوين خواهد شد, فعاليت زنان منحصر به موضوعاتى كه مستقيما به آنها مربوط است نخواهد شد; لذا نسبت به هر تصميم بين المللى كه غير مستقيم زنان را محدود و متإثر مى كند ـ تحريم هاى اقتصادى, فرهنگى و تصميمات سياسى سران كه داراى حق و تو هستند ـ حساس شده و تقاضاى تجديد نظر مى نمايند.

توصيه و پيشنهاد به سازمانهاى غير دولتى زنانNGO) )

جمهورى اسلامى ايران به دليل اصل دانستن ((كرامت انسانى)) داراى بهترين شرايط براى شناسايى امور و احقاق حق مستضعفين جهان از جمله زنان است. لذا راه حل هايى براى تغيير وضعيت موجود, به كليه زنان جهان ارايه مى نمايد.

تا بتوانند از اين پايگاه, فعاليت هايى را كه در نظام هاى ديگر نمى توانند انجام دهند,3 به مرحله عمل برسانند.

1. زنان بايد همبستگى اجتماعى خود را ارتقإ داده و بانوان مشخصى كه داراى زمينه ذهنى آماده ترى هستند مى توانند شرايط رشد, پرورش, و تعالى حساسيت ساير زنان را تإمين نموده و توجه آن ها را از مشكلات ريز اجتماعى به حضور در تصميم گيرىهاى كلان تشويق نمايند تا بتوانند در توسعه امنيت و آزادى مشاركت پيدا كنند.

2. همبستگى اجتماعى بايد از نظر فرهنگى, به توسعه تفاهم اجتماعى, از نظر اقتصادى, به توسعه تعاون و همكارى اجتماعى و از لحاظ سياسى, به توسعه امنيت اجتماعى منجر گردد.

3. هدف از فعاليت و مشاركت اجتماعى زنان; ارتقإ سطح فكرى آنان در امور سياسى, فرهنگى, اقتصادى, مقابله با مظالم جهانى (نه مقابله با مرد و طرح برابرىها يا اختلاف جنسى) از طريق ايجاد حادثه و تغيير جهت حوادث جهان به نفع قشر مظلوم مى باشد.

4. توصيه به مسوولين سازمان ملل و كنفرانس هاى بين المللى كه در تنظيم و تصويب قوانين (سياسى, فرهنگى, اقتصادى) جهانى حقوق زنان را به طور كامل رعايت نمايند.

5. بررسى و مطالعه در روش اطلاع رسانى, تنظيم اطلاعات, تكنولوژى, توزيع آن از طريق شبكه هاى اطلاع رسانى جهانى و مبارزه با طبقاتى شدن اطلاعات و فرهنگ به نفع قشر قدرتمند.

پيشنهادهاى كه براى دست يابى به اين مهم ارايه مى شوند عبارتند از:

الف: ارائه خدمات ساده و پيشرفته سازمانى به زنان جهان;

ب: بالابردن سهم تإثير زنان در تغيير و توسعه شرايط اجتماعى; براى حل مشكلات اقشار مستضعف در جهت تكامل;

ج: بالا بردن سطح همكارى زنان در جهان;

د: ايجاد هم دلى, هم فكرى,و همكارى با زنان مستضعف جهان.

اميد است كه پيشنهادات فوق مورد مطالعه و بررسى سازمان هاى غير دولتى زنان در سطوح ملى, بين المللى و جهانى قرار گرفته و انجمن زنان مسلمان پژوهشگر شاهد نقطه نظرات كليه ارگان هاى مربوطه باشد.

پى نوشت ها

1. البته براى افزايش در آمد هر نوع وسيله و حركتى را كشورهاى قدرتمند براى خود مجاز مى دانند.

2. هر چند كه اين تقاضاى حضور در جامعه براى حل مشكلات هم نوعان خود باشد ولى افق در اين نگرش با حساسيت در افق توسعه يافتگى كاملا متفاوت است.

3. حتى تصميم گيرى در نظامهاى دموكرات بايد در قالب يك چهار چوب خاص باشد و با منافع سازمانهاى ادارى آنان برخوردار نداشته باشد. بعبارت ديگر وقتى فعاليتهاى زنان ارتقإ پيدا كرده و با چهار چوب يا قالب نظام استكبارى اصطكاك پيدا كند, مانع ادامه فعاليت زنان خواهد شد.